

«۳»

چرا خداوند را بزبان عربی عبادت میکنیم؟

(۶) : انسان نمیتواند جنبه روانی افراد بشر را که در مواقع به تسبیحاتی آلوده بماند از نظر روز بگذرد هر روز موافق پیغامی میکند که تصانیف سیاسی (ملی) یا بر - خودمدای جزئی شخصی و فردی روی میدهد ، فی المثل اگر بکنز انگلیسی سلطان در نمازی که بزبان فرانسه یا روسی یا بزبان دیگری خوانده می شود شرکت بیورد ، در اینصورت تکلیف او چیست ؟

عربی که زبان قرآن و حدیث است احترام خاص دارد و بیترتبه حلقه و دایره های است در افکار هر مسلمانی و هر کسی آنرا مورد استعمال قرار میدهد و این احترام بنوعی زبان عربی است بلکه احترام آن ناشی از آنست که زبان قرآنی است که خدا را بر این صفت گردان آفرین کلام و پیامش برای ما انتخاب کرده است .

(۷) : ضرورت وجود تصادف بلکه وحدت و یگانگی در میان مسکینان ، از ساقی است که نیازمند ترس و تا کید زیادی نیست و هر کسی باگر بر است حلقه های برادری تازه ایجاد خلق کند تا اینکه علاقی و روابط برادری را تقویت نماید ، نه اینکه در اصله وسیله موجودا نابود کند .

(۸) : شخص باید مسئله نوبتهائی را که در اجتنابها و محافل بین المللی روی میدهد در نظر بگیرد ،

مثلاً وقتی که انسان بخواهد در جلسه سازمان ملل متحضر کند ، نمیتواند تماماً بیوقوف و بیسواد و بیخود خودی وسیله تقاضای او که بیجا لقب و وضع جلسه باشد انتخاب کند ، در آنصورت از درک مقاصد دیگران - در چنان جلسه ای محروم خواهند ماند ، و در ضرورت شخص بیسواد را که بزبان را که بر سبب شناخته شده و جنبه محل داده مورد استفاده قرار دهد که برای امرای علم مقامت کارساز بود و اصلی است چه انگلیسی باشد چه فرانسوی ، و هیچکس نمیتواند بر این نوع کارها احترام کند بلکه باگر بر است علم عربی را ندانی سودگانی نماید .

(۹) : این مسئله صورت دیگری نیز دارد که اهمیت آن از همه اول کمتر نیست و مطلب این است که در حقیقت هر چه از جمعی جانتن اصل میشود فی المثل در حال حاضر از قرآن کریم

ترجمه های متعددی بزبان انگلیسی موجود است (و همچنین بزبانهای دیگر) با اینحال با زهم کوششی میشود تا ترجمه دیگری بر آن افزوده شود (با توجه با اینکه ترجمه های سابق ناقص است) این موضوع مختص بزبان انگلیسی نیست بلکه هر يك از زبانهای دیگر جهان همین حالا دارد و در ترجمه بزبان این ناقص بطور واضح در روشن محسوس و مشهود است در اینصورت باید پرسید آیا شخص با پیشه ناقص را مورد استفاده قرار دهد یا ضعیف و کاملی را ؟

(۱۰) : در این زمینه باید متذکر باشیم که علاوه بر مذهبی غیر از اسلام کتابی را که نسخه اصلی وحی الهی بر آن باشد ندارد و بهر حال آنچه (جز قرآن) موجود است ترجمه است یا بهتر بگوییم نسبتاً و اجزائی است که بطور متفرد در اختیار کلیبیان و پارسیان و مسیحیان و سایر امثال است و جفاقتی برای بالاتر از این برای مسلمانان که از این جهت ترویج استثنائی دارند و نسخه اصلی کتابی را در دست دارند بمان شکلی که وحی خداست و آن کتاب قرآن کریم است .

(۱۱) : علاوه بر حجت این معانی قرآن کریم با اینکه به نثر تبدیل شده و از کلیات کلمات جمال و زیبایی شعری است از قبل وزن و آهنگ و سوز و عظمت و شکوه سیک و اسلوب و غیره تا جائیکه حدیثها اضافه بکسوف در متن قرآن را معشوق میکند ، همانطور که اگر از شعر چیزی کامت شود ، یا چیزی بر آن افزوده شود بکلی شعر را معشوق میسازد و ناموزون .

چندی قبل برای نگارنده پیش آمدی رویداد که بکنز مسلمان فرانسوی که حرفه اش موسیقی است روزی با من در ایامی قرآن صحبت میکرد و بطور قاطع گفت که چه قرآن بسبب موسیقی نیست ولی آهنگ خاص و موزونی دارد ولی در یکی از آیات سوره ۹۱۰ قرآن کریم بنظر میآید چیزی ساقط شده باشد و آن آهنگ و وزن محسوس دیده نمیشود و آن آیه دید جلون فی

وین الی قولها ... است ، زیرا با آن سوارین که من میدانم تطبیق نمیکند !

الاجماع معتبری که من از علم تجویز داشتم من کما کرد و گفتم : شاید بهتر این است تا از مسلمان خوشنیت فوراً سداش بلند شده گفت : « حالا با این بیان شما دینم تازه شد و از تو مسلمان میشوم ؛ دلیل اینکه دیگر از نقطه نظر آن آهنگ و وزن مخصوص اشکالی باقی نمیماند و هیچ نقضی بنظر نمی رسد !

شور قرآن است بطور شعر بسیار موزون و با اندازه است در چنین صورتی چه کسی حاضر میشود شیئی کامل و در خدائی را با شیئی بالنسبه متوسط یا معمولی عوض کند ؟

(بقیه در شماره بعد)